

من ارادت خاصی به امام رضا علیه السلام دارم

می گوید برادرم پانزده سال بچه دار نمی شد ، به همه جا و همه کس سر زده بود ، ازدواج دوم هم کرده بود اما فایده ای نداشت . حتی وعده داده بود اگر کسی من را کمک کند به او زمینی خواهم داد . یک روز که از ایران زنگ زده بودم تا حالش را بپرسم گفت برایم دعا کن تا مشکلم حل شود. من هم به او گفتم الان به حرم امام رضا (ع) می روم . قبلا به او گفته بودم در ایران جایی هست که مردم به آنجا می روند و از امام رضا ع می خواهند برای رفع مشکل آنها دعا کند و خدا هم آن را حل می کند.

رفتم پیش امام رضا و گفتم این برادرم سنی است کمکش کنید که بچه دار بشود. خدا شاهد این گفته من است ، بعد از یک سال برادرم بچه دار شد و آن زمین را هم به امام رضا داد و گفت که هر کس دوست دارد می تواند مدرسه ، حوزه ، مسجد ، حسینیه و.. آنجا بسازد .

اینها قسمتی از گفته های یک ره یافته به عالم تشیع است. او خود را سلیمان از جمهوری گینه معرفی میکند . او میگوید در دنیا چهار گینه داریم گینه بیسائو ، جمهوری گینه ، گینه استوایی در آفریقا و گینه نو در قاره اقیانوسیه . و من از جمهوری گینه هستم .

کشور ما ۹۵ درصد مسلمان دارد که امروزه به لطف پول و تبلیغات سعودی ها اکثر آنها وهابی هستند. خانواده من هم سنی حنفی بودند اما پدرم وهابی شده بود و امام جماعت آن منطقه را به عهده داشت. من هم چهارده سال در مدرسه وهابی ها درس خواندم. تا اینکه روزی یکی از دوستانم گفت ، در نزدیکی خانه شما حوزه ای پیدا کردم که مال شیعیان است. من تعجب کردم و گفتم شیعیان چه کسانی هستند و چه می گویند؟ او گفت شیعه معتقد به پیامبری و نبوت علی (ع) بعد از حضرت محمد (ص) است . البته حرفی که او می زد بر گرفته از منابع و جوی بود که وهابی ها راه انداخته بودند.

من برای تحقیق بیشتر به آن مدرسه رفتم و چهار سال در آنجا درس خواندم روزی پرسیدم این درست است که شما قائل به نبوت حضرت علی ع هستید ؟ مدیر مدرسه گفت نه اینها دروغ است ، آیا تو در این مدت چنین چیزی از ما شنیده ای ؟ یا در منابع و کتابخانه ما دیده ای ؟ گفتم نه دوباره سوال کردم آیا درست است که شما شجره ملعونه در قرآن را عایشه می دانید؟ ایشان دوباره گفت نه ، می توانی بروی و در تفاسیر جستجو کنی . من هم همین کردم و عاقبت این تحقیقات به حقیقت شیعه پی بردم و آن را پذیرفتم.

سلیمان درباره واکنش خانواده اش چنین می گوید:

یک روز چند نفر رفتند پیش پدرم و گفتند پسرت شیعه شده و فرزندان ما را هم شیعه کرده. پدرم تعجب کرده بود فوراً با من تماس گرفت و گفت آیا این ادعا ها درست است ؟ تو شیعه شدی ؟ من گفتم نه ! فقط به مدرسه شیعیان می روم. مدرسه شیعه ها؟! مگر

نمی دانی آنها کافر هستند؟! اگر فرزند منی دیگر حق نداری آنجا بروی؟!!

به خاطر مسئله پدرم مدیر مدرسه از من خواست که دیگر آنجا نروم چون باعث تعطیلی آنجا خواهم شد .

ارتباطم با دوستانم قطع شد . البته این مشکل اکثر مستبصرین است . چرا که شما دیگر جایگاه قبلی را نداری و از دید آنها کافر هستی. یکی از دوستان در گینه قصد ازدواج با دختری را داشت , هر دو خانواده هم قبول کرده بودند, اما وقتی فهمیدند او شیعه شده همه چیز به هم خورد . در چنین شرایطی دیگر کسی به مراسم های شما مثل عقیقه و ترحیم و... نخواهد آمد یا به شما کار نخواهند داد .

البته بعد ها مادرم , سه برادرم و خواهرم شیعه شدند . که یکی از برادرانم به خاطر کرامت امام رضا بود که تشیع را پذیرفت.

درباره اعتقادات وهابی ها بگوئید؟

وهابی ها تفکرات باطل و سطحی دارند و الان می فهمم که چرا آنها به شدت منع می کنند که شخصی یک کتاب شیعی بخواند یا با یک شیعه حرف بزند . اعتقاداتی مثل جسم بودن خدا یا معصوم نبودن پیامبر در همه احوالات قسمتی از تفکرات آنهاست, به طور مثال خدا در پنج شنبه ها به زمین می آید و ندا می دهد که مردم برای رفع مشکلات به پیش او بروند . یا اعمال زشت و قبیحی به پیامبر نسبت می دهند که انسان از گفتن آن شرم دارد. به همین خاطر هم اگر یک وهابی یا سنی در تشیع تحقیق کند بدون تعصب آن را خواهد پذیرفت . یادم هست در اولین سفری که به کشورم داشتم بیست و چهار نفر را شیعه کردم.

نظرت راجع به اهل البیت چیست؟

من ارادت خاصی به اهل البیت به خصوص امیر المومنین (ع) و امام رضا (ع) دارم . چون امام هشتم خیلی من را کمک کرده اند . یکی از دوستان در سنگال بچه اش مریض بود و نمی توانست راه برود.ایشان در لبنان درس خوانده . روزی گفت سلیمان تو که الان پیش امام رضا هستی برو دعا کن که بچه ی من خوب بشود . بچه اش سه سال نمی توانست راه برود . من رفتم دعا کردم او هم خوب شد. من هر مشکلی دارم میروم پیش امیر المومنین و امام رضا علیهما سلام , ایشان مشکل را حل می کنند.

سلیمان اکنون در ایران تحصیل می کند او دو فرزند داد و یک دنیا آرزو و برنامه برای کشور و مردمش .